

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

**(۱) آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمون‌هایی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

**(۲) آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۹۸، ۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد ۹۸، خرداد و شهریور ۹۹ و دی ۱۴۰۰ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم.

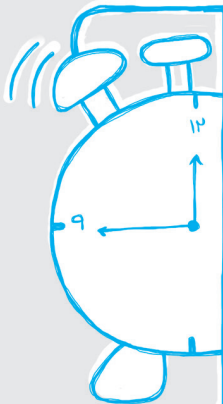
با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۱ هستند.

**(۳) پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

**(۴) درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

**یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول و دوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



## بازم‌بندی درس عربی، زبان قرآن (۳)

نوبت دوم شهریور و دی‌ماه	نوبت اول	مهارت‌ها
۲	۲	واژه‌شناسی
۹	۹	ترجمه به فارسی
۷	۷	شناخت و کاربرد قواعد
۲	۲	درک و فهم
۲۰	۲۰	جمع

## فهرست

صفحه	صفحه	نوبت آزمون پاسخ‌نامه	آزمون شماره
۳۴	۳	اول (طبقه‌بندی‌شده)	۱
۳۵	۶	اول (طبقه‌بندی‌شده)	۲
۳۸	۹	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	۳
۳۹	۱۱	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	۴
۴۱	۱۴	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۵ نهایی خرداد ۹۸
۴۳	۱۷	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۶ نهایی خرداد ۹۹
۴۴	۲۰	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۷ نهایی شهریور ۹۹
۴۶	۲۳	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۸ نهایی دی ۱۴۰۰
۴۷	۲۶	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۹ نهایی خرداد ۱۴۰۰
۴۹	۲۸	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۱
۵۰	۳۰	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۰
۵۱	۳۲	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۱
۵۲			درس‌نامه توپ برای شب امتحان

عربی، زبان قرآن (۳)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نوبت اول پایه دوازدهم	ردیف
<b>آزمون شماره ۱</b>					
<b>درس اول</b>					
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. الف) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ ب) ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾	۰/۵	به کلمات آبی کتاب بیشتر توجه کنید.		
۲	أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. الْبُعْثُ - الْمَرْضُ - الْأَسِيرَةُ - التَّقْوَشُ - الْأَعْفَايَةُ - الْقِيَامَةُ ..... = ..... ..... ≠ .....	۰/۵	هر کلمه‌ای را که در درس می‌خوانید به دنبال مترادف و متضادش بگردید.		
۳	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. الف) الْحَضَارَاتُ وَالرُّسُومُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فِطْرِيٌّ وَلَكِنْ بَعْضُ الشَّعَائِرِ خُرَافِيَّةٌ. ب) كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ الْأَصْنَامَ ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ. ج) وَ اَمْلَأِ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلَّ الْأَجْهَاتِ د) يَتَأَكَّدُ الْقَرَأْنُ أَنْ تُسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ عَاقِبَةَ الْكَافِرِينَ. هـ) يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَ الْحَسَنِ <small>عليه السلام</small> ، حَتَّى يُقَدِّمَنَا مِنَ الْجَهَالَةِ. و) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. ز) إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَافِيهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.	۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵	آیات و احادیث متن درس، بدون هیچ تغییری در امتحانات می‌آیند، ولی معمولاً سایر جمله‌ها کمی تغییر می‌کند، خصوصاً فعل‌های آن‌ها.		
۴	كَمَّلَ الْقَرَاعِينَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (به) بیچارگان ..... از آن چه .....	۰/۵	اگر معنی کلمه را نمی‌دانید، شاید بتوانید با کمک بقیه کلمات، آن را حدس بزنید.		
۵	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. الف) الْحَضَارَةُ الْغَرِيبَةُ لَنْ تَعْلَمَ النَّاسَ الْعَفَافَ أَبَدًا. ب) قَدْ سُئِلَ الْمَدِيرُ: أَفِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ ج) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ. د) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.	۱	فعل‌ها مهم‌ترین رکن جمله هستند؛ بنابراین باید آن‌ها را به شکل دقیق بشناسید.		
۶	عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ. الف) لَيْتَ أَجَبْتَنِي ..... بِالْخَيْرِ عِنْدَمَا أَمُوتُ. ب) جَعَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ عَرَبِيًّا لَعَلَّ النَّاسَ ..... ج) يَتَقَلَّبُونَ د) يَتَقَلَّبُونَ	۰/۵	قواعد مربوط به ترجمه بسیار مهم هستند. «لیت» یا «لعل» ... + مشارع = مضارع التزامی.	<input type="checkbox"/> تَذَكَّرُونِي <input type="checkbox"/> تَعَقَّلُوا	
۷	عَيَّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ. <input type="checkbox"/> (۱) يَا أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنَ أَهْلِ الْحَقِّ. <input type="checkbox"/> (۲) لَا يَغْضَبُ الْمُؤْمِنُ فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. <input type="checkbox"/> (۳) لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ.	۰/۲۵	شناخت انواع «لا» در ترجمه بسیار کمک می‌کند.		
۸	صَغَّ فِي الْقُرْآنِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ <small>عليه السلام</small> : «..... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقُ الْحَسَنُ.» <input type="checkbox"/> إِنَّ <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> إِنَّ <input type="checkbox"/> أَنْ	۰/۲۵	در زبان عربی حرکت‌ها بسیار مهم هستند. جدول پاسخ‌نامه را با دقت مطالعه کنید.		
۹	عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. الف) ﴿... أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهِنَانَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾ ب) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسُ فَرِيْسَتَهُ.	۱	تشخیص جمله فعلیه و اسمیه اولین گام برای پاسخ به این‌گونه سوالات است.		

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱			نوبت اول پایه دوازدهم
<b>درس دوم</b>				
۱۰	۰/۵	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. (الف) يَتَعَبَّدُ فِي قِمَّةِ جَبَلِ النَّوْرِ. (ب) هُوَاةٌ أَسْمَاكُ الرِّينَةِ مُعْجِبُونَ.		
۱۱	۰/۲۵	أَكْتَبُ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ التَّالِيَةِ. أَلْخِيَامِ:		اگرچه در آخر درس نامه تمام جمع‌های مکتسر درس‌ها آمده، ولی جمع‌های مکتسری که کتاب مستقیماً به آن‌ها اشاره کرده مهم تر هستند.
۱۲	۰/۲۵	عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. <input type="checkbox"/> أَلْطِينِ <input type="checkbox"/> أَلْمِلْفِ <input type="checkbox"/> أَلْتُرَابِ <input type="checkbox"/> أَلْحَجَرِ		
۱۳	۰/۷۵	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. (الف) قَدْ يَشْتَأُقُ بِنِيٍّ أَنْ يَرَى مِبَارَاةَ كُرَةِ الْقَدَمِ مِنَ التَّلْفَازِ. (ب) ﴿وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ (ج) يَا أُمَّاهُ! إِنِّصْلِي بِمُصَلِّحِ الْحَافِلَاتِ لِأَنَّهَا مُعْطَلَةٌ. (د) إِلَهِي، عَامِلُنَا بِقَضَائِكَ وَلَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ. (هـ) بَعْدَ إِطْلَاقِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ فِي إِتْجَاهِ الْحَشْرَةِ، تَسْفُطُ الْحَشْرَةُ ثُمَّ تَبْلَعُهَا. (و) عِنْدَ وُقُوعِ الْمَصَائِبِ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ سَرِيعَةً.		از آیات و احادیث کتاب بدون تغییر سؤال می‌شود ولی سایر جملات کمی تغییر می‌کنند.
۱۴	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵	كَمَلِ الْفَرَاعِينَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارَسِيَّةِ. حِينَ أَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ تَمُرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي. هَنْكَامِي كِهَ اَيْنِ ..... رَا مِي بَيْنِمِ، خَاطِرَاتِمِ دَرِ مَقَابِلِمِ .....		کلمات کلیدی و مهم در این‌گونه سؤالات مورد پرسش قرار می‌گیرد.
۱۵	۰/۲۵	إِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. تُحَاوِلُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أَبَاهَا. <input type="checkbox"/> (۱) دَانِشْ آمُوزِ (دَخْتَرِ) بَا رِضَايَتِ دَرِ اَنْجَامِ تَكْلِيفِ هَايِشِ تَلَاشِ مِي كُردِ، دَرِ حَالِي كِهَ پَدَرِشِ بِهَ اَوْ كَمَكِ مِي كُردِ. <input type="checkbox"/> (۲) دَانِشْ آمُوزِ دَرِ اَنْجَامِ تَكْلِيفِشِ تَلَاشِ مِي كُنَدِ، دَرِ حَالِي كِهَ رَاضِيِ اسْتِ وَ بِهَ پَدَرِشِ كَمَكِ مِي كُنَدِ.		لطفاً از ترجمه فعل شروع کنید.
۱۶	۱	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. (الف) لِمَ لَا تَعْمَلُونَ بِوَأْجِبَاتِكُمْ؟ (ج) رَجَاءً، تَكَاتِبًا! (ب) تُنْمَعُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ. (د) كُنْتُ قَدْ تَدَكَّرْتُ زِمِيلِي.		شناخت انواع فعل همیشه مهم است و در ترجمه بسیار کمک می‌کند.
۱۷	۰/۵	عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ. (الف) جَدِي كُلِّ يَوْمٍ ..... فَرِيضَةَ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ. <input type="checkbox"/> أَدَيْتُ <input type="checkbox"/> كَانِ يُؤَدِّي <input type="checkbox"/> تُؤَدِّي (ب) فِي السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ ..... فِي الْكُتُبِ الدِّينِيَّةِ أَنْ أُولَى آيَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَزَلَتْ فِي غَارِ جِرَاءِ. <input type="checkbox"/> لَنْ نَقْرَأُ <input type="checkbox"/> كُنَّا نَقْرَأُ <input type="checkbox"/> كُنْتُ قَدْ قَرَأْتُ		معمولاً در جمله نشانه‌هایی وجود دارد که در انتخاب گزینه صحیح کمک بسیاری می‌کند.
۱۸	۱	عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ، فِي مَا يَلِي: (الف) سَأَلَ الْأَبُ وَ لَدَهُ مُتَعَجِّبًا: لِمَ تَبْكِي؟! (ب) لَا يَسْتَطِيعُ الصَّعُودَ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ. (ج) الطَّالِبَاتُ تَقْرَأْنَ دُرُوسَهُنَّ مُجَدَّاتٍ. (عَيَّنِ الْخَبَرَ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ.)		تشخیص نقش کلمه در جمله در همه امتحانات می‌آید، پس لطفاً یک بار برای همیشه آن را یاد بگیرید.
۱۹	۱/۵	عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ فِي مَا يَلِي. (الف) ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ (ب) إِنَّ السَّيِّدَ حَسِينِي رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ يَسْكُنُ قُرْبَ الْمَسْجِدِ. (ج) يُعَدُّ جَبَلٌ «إِفْرِسْت» أَعْلَى جَبَلٍ عَلَى مُسْتَوَى الْعَالَمِ.		با توجه به این‌که قواعد مربوط به این سؤال را سال‌های پیش فواید اید ضروری است دوباره تکرار شود.

	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت اول پایه دوازدهم		<b>آزمون شماره ۱</b>	
۱	معنای واژه و کمی هم حدس شما را به پاسخ صحیح می‌رساند.		<b>ترکیبی</b> ۲۰ صَعَّ فِي الْمَرْعِ الْعَدَدَ الْمُنَابِبِ: «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» ۱- مِنَ الْفَرَائِضِ الدِّينِيَّةِ وَ مِنْ أَجْزَائِهَا السَّعْيُ وَ رَمِي الْجَمْرَاتِ. ۲- سَيَارَةٌ تَسْتَحْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَرْعَةِ. ۳- إِذَا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ فِي الطَّعَامِ نَجِدْهَا فِي الطَّعَامِ. ۴- إِنَّهُمْ يَدُورُوا يَتكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ. <input type="checkbox"/> يَتَهَامَسُ <input type="checkbox"/> الْبَرَكَةُ <input type="checkbox"/> الْقُرَابِينِ <input type="checkbox"/> الْجَزَارَةُ <input type="checkbox"/> الْمُجِيبِ <input type="checkbox"/> الْحَجِّ	
۱	اطلاعات عمومی و آنچه در کتاب است برای پاسخ به این سوالات کافی است.		۲۱ عَيَّنَ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. الف) جَبَلُ النَّوْرِ يَكُونُ مُرْتَفِعًا وَ يَقَعُ فِي مَدِينَةِ النَّبِيِّ ﷺ. ب) تَعَدَّدُ الْأَلِهَةُ مِنَ الْخِرَافَاتِ وَ عِبَادَتُهَا مِنَ الْمَعَاصِي الْكَبِيرَةِ. ج) التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنِ. د) «الشَّعْبُ» هُوَ أَهْلُ الْبَلَدِ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ وَ جَمْعُهَا «شُعَبٌ».	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۸۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	آزمون شماره ۹			ردیف
۱	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰			
۰/۵	<p>۱ ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p> <p>(الف) عبادته و شعائره كانت خرافية. (ب) هذا الذي تعرف البطحاء وطأته. (ج) العقاد صحفي و شاعر مصري. (د) أتمنى أن أزور هذه الأماكن.</p> <p>۲ عَيْنِ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ:</p> <p>تَكْبُرُ - تَضِيقُ - عَلَقَ - أَعَانَ - تَصَغُرُ - نَصَرَ</p> <p>(الف) ..... = ..... (ب) ..... ≠ .....</p>			
۰/۲۵	<p>۳ (الف) عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ:</p> <p>العُشُّ □ الطائر □ الفندق □ الفراخ □</p> <p>(ب) اكتب جمع الكلمة: الفَقِير.....</p>			
۰/۲۵	<p>۴ ترجم الآيات و الأشعار إلى الفارسية:</p> <p>(الف) ﴿ وَ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ﴾</p> <p>(ب) ﴿ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ ﴾</p> <p>(ج) وَ لَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ.</p> <p>(د) ﴿ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ ﴾</p> <p>(هـ) هذا ابنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ هذا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ</p>			
۰/۵	<p>۵ ترجم العبارات إلى الفارسية:</p> <p>(الف) يا ليتني أذهب مرة أخرى إلى الحج.</p> <p>(ب) الجسم القوي يجذب غذاءً مناسباً لنفسه.</p> <p>(ج) لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ، اسْتَلَمَهُ اسْتِلَامًا سَهْلًا.</p> <p>(د) هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ؟</p> <p>(هـ) عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ تَعْلِيمًا وَ رَحَلَ الْفَرَزْدُقُ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ.</p> <p>(و) لَا تُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطَ عَلَى رَغَمِ ظُرُوفِهِ الْقَاسِيَةِ.</p> <p>(ز) لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.</p>			
۰/۵	<p>۶ انتخب الصحيح في الترجمة:</p> <p>(الف) ما استطاعت أسرته أن ترسله إلى القاهرة لتكميل دراسته.</p> <p>□ (۱) خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد.</p> <p>□ (۲) خانواده‌اش نمی تواند برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد.</p> <p>(ب) أجب: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ اسألوا الصَّخْمَ الْكَبِيرَ.</p> <p>□ (۱) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.</p> <p>□ (۲) جواب داد: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.</p>			
۰/۵	<p>۷ كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>(الف) كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَعَبَّدُ فِي قَمَةِ غَارٍ حَرَاءٍ.</p> <p>(ب) الْكُتُبُ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السَّنِينَ.</p> <p>پیامبر ﷺ در ..... غار حراء ..... .</p> <p>کتاب‌ها تجربه‌های ..... در گذر ..... سال هستند.</p>			
۰/۵	<p>۸ ترجم الأفعال و الكلمات التالية:</p> <p>(الف) اجتهد (تلاش کرد) (۱) لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ: (۲) هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ: (۳) مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهِدُوا:</p> <p>(ب) ستر (پوشاند) (۱) إِنَّ اللَّهَ سَتَّارُ الذُّنُوبِ: (۲) كَانَ قَدْ سَتَّرَ عَلَيَّ وَجْهَهُ: (۳) مَا سَتَّرَ وَجْهَهُ:</p> <p>(ج) جلس (نشست) (۱) كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ: (۲) هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ: (۳) هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ:</p>			
۰/۵				
۰/۵				
۰/۵				
۰/۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				
۰/۷۵				

نمبره	كليه رشتها به جز رشته انساني	زمان آزمون: ۸۰ دقيقه	عربي، زبان قرآن (۳)
۱۴۰۰	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهايي خرداد ۱۴۰۰	<b>آزمون شماره ۹</b>	
۱/۲۵	۹ الف) إبحث عن هذه الأسماء في الجُمْل: (۱- اسم الفاعل ۲- اسم المفعول ۳- اسم المبالغة ۴- اسم المكان ۵- اسم التفضيل) ﴿ غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴾ الطالبانِ تقرأنِ دُروسَهُما أَكثَرَ مِنْ صَدِيقَتَيْهِما - إشتدَّ الإزدحامُ أَمَامَ المَلْعَبِ الرِّياضِيِّ - الطَّبَّاحُ وَضَعَ الطَّعامَ على المِنضَدَةِ. ب) تَرِجِمِ الكَلِماتِ الَّتِي تَحْتِها حَطٌّ: (۱) أَقرأ في حِياة نابليون آراءَ ثَلاتينِ كاتِباً. (۲) هَذَا العَمَلُ أَمْتَعٌ مِنْ قِراءةِ المَوْضوعاتِ المُتعدِّدةِ.		
۰/۲۵	۱۰ عَيِّنِ الجُمْلَةَ الَّتِي فيها أَسلوبُ الخَضِرِ: <input type="checkbox"/> (۱) حَلَّ الطُّلابُ مَسائِلَ الرِّياضياتِ إِلا مَسأَلَةً. <input type="checkbox"/> (۲) ما فَازَ إِلا الصَّادِقُ.		
۱/۲۵	۱۱ مَيِّزُ في العِباراتِ: (۱- المَفْعولُ المُطْلَقُ ۲- نوعه ۳- الحال ۴- الفِعلُ المَجْهُولُ ۵- المَسْتثنى) يَبْقَى المُحسِنُ حَيًّا وَ إِن نَقِلْ إِلى مَنازِلِ الأَمواتِ - ﴿ كَلَّمَ اللهُ مُوسى تَكليمًا ﴾ - كُلُّ شَيْءٍ يَرخُصُ إِذا كَثُرَ إِلا الأَدبُ		
۱	۱۲ عَيِّنِ المَحَلَّ الإِعرابيَّ لِلكَلِماتِ الَّتِي تَحْتِها حَطٌّ: الف) الأَثارُ القَدِيمَةُ تُوكِّدُ اِهْتِمامَ الإِنسانِ بِالدِّينِ. ب) الحَاجُّ اسْتَلَمَ الحَجَرَ الأَسودَ بِالكِعبَةِ الشَّرِيفَةِ.		
۱	۱۳ عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلفِراغِ: «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ» <b>العَيْبِ - الظُّروفِ - الإِنفاقِ - الثَّانويَّةِ - الغِلافِ - سُدىِّ</b> الف) لا يَتَرَكُ اللهُ الإِنسانَ ..... ب) ..... هِيَ المَرحَلَةُ الدَّراسيَّةُ بَعْدَ الإِبْتدائيَّةِ. ج) سَعَرَ ..... يَرخُصُ في نِهايَةِ الصَّيْفِ بِسَبَبِ وَفورهِ في السُّوقِ. د) يَنْقُصُ كُلُّ شَيْءٍ بِ ..... إِلا العِلْمِ.		
۱	۱۴ إِقرأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسئَلَةِ التَّالِيَةِ: «كَانَ الفِرْزَدِيُّ مِنَ شُعراءِ العَصْرِ الأُمويِّ وَ مُحِبًّا لِأهلِ البَيْتِ ﷺ. وَ كانَ يَسْتُرُ حُبَّهُ عِنْدَ حُلَفاءِ بَنِي أُمَيَّةَ وَ لِكِنَّهُ جَهِرَ بِهِ لَمَّا حَجَّ هِشامُ بَنُ عَبْدِ المَلِكِ في أَيامِ أبيهِ» «سَمَكَةُ التِّيلابيا مِنَ أَعْرَبِ الأَسْماكِ تُدافِعُ عَنِ صِغارِها وَ هِيَ تَسيرُ مَعها. إِنَّها تَعيشُ في سَمالِ إفريقيا. وَ تَبَلِّغُ صِغارَها عِنْدَ الحَظَرِ ثُمَّ تُخْرِجُها بَعْدَ زوالِ الحَظَرِ» الف) مَتى جَهِرَ الفِرْزَدِيُّ حُبَّهُ لِأهلِ البَيْتِ ﷺ؟ ب) مَن كانَ الفِرْزَدِيُّ؟ ج) أَيْنَ تَعيشُ سَمَكَةُ التِّيلابيا؟ د) مِمَّنْ تُدافِعُ السَّمَكَةُ؟		
۰/۵	۱۵ عَيِّنِ الصَّحِيحَ في التَّحليلِ الصَّرْفِيِّ وَ المَحَلِّ الإِعرابيِّ: طَلَبَ الحَاجَّةُ مِنَ غَيرِ أَهلِها أَشَدُّ مِنَ المَوْتِ. الف) الحَاجَّةُ: <input type="checkbox"/> (۱) اسمُ فاعِلٍ، مَفْرَدٌ، مُؤنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِالعَلَميَّةِ/ فاعِلٍ ب) أَشَدُّ: <input type="checkbox"/> (۱) اسمُ تَفْضيلٍ، مَفْرَدٌ، مُدَكَّرٌ/ خَبرٍ <input type="checkbox"/> (۲) اسمٌ، مَفْرَدٌ، مُؤنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِأَل/ مِضافٌ إِليه <input type="checkbox"/> (۲) مَصْدَرٌ، مَفْرَدٌ، مُدَكَّرٌ/ صِفَةٌ		
۲۰	جمع نمرات	موفق باشيد	

# پاسخنامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- الف) خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی ساختمانی استوار هستند.

ب) آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

۲- قیامت - بیماری - روش - کنده کاری‌ها - سلامتی - قیامت  
أَلْبُعْثُ = الْقِيَامَةُ (رستاخیز)

الْمَرَضُ (بیماری) ≠ الْأَعْفَايَةُ (سلامتی)

۳- الف) تمدن‌ها و رسم‌ها دلالت دارند که؛ دین فطری است، ولی بعضی مراسم‌ها خرافی است.

ب) ابراهیم بت‌ها را شکست، سپس تبر را بر شانه بت بزرگ آویزان کرد.

ج) و دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت‌ها پر کن.

د) قرآن تأکید می‌کند که در زمین حرکت کنید، شاید سرنوشت کافران را ببینید.

ه) ای کاش ما با حسین علیه السلام بودیم تا ما را از نادانی نجات دهد.

و) کسی که هیچ (وفای به) پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد.

ز) همانا از سنت (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) آن است که مرد با مهمانش تا درب خانه خارج شود.

۴- غذا ندهید - نمی‌خورید

۵- الف) تمدن غربی هرگز پاکدامنی را به مردم یاد نخواهد داد.

لَنْ تُعَلِّمَ (لن + فعل مضارع) مستقبل منفی است، پس ترجمه صحیح آن «یاد نخواهد داد» است. نکته دیگری که باید بدانیم این است که «الحضارة» مبتدا و مؤنث است و

«لَنْ تُعَلِّمَ» که خبر آن می‌باشد نیز به شکل مؤنث آمده است.

ب) از مدیر سؤال شده است: آیا در مدرسه دانش‌آموزی هست؟

قَدْ سُئِلَ (قد + فعل ماضی) معادل ماضی نقلی است، پس ترجمه آن «سؤال شده است» می‌باشد. هم‌چنین سُئِلَ فعل ماضی مجهول است؛ پس دقت کنید که باید به شکل

مجهول ترجمه شود.

ج) برای بعضی از ملت‌ها دینی نبود (بعضی از ملت‌ها دینی نداشتند).

«کان» معمولاً معنای «بود» یا «است» می‌دهد و «لم یکن» (لم + فعل مضارع) ساختار ماضی منفی (ساده یا نقلی) دارد، پس لم یکن = ما کان می‌باشد و معنای «نبوده» است» یا «نیست» می‌دهد.

د) بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

فعل «لا یشکرون» مضارع منفی است، زیرا «لا» آخر فعل را تغییر نداده؛ پس «سپاس‌گزاری نمی‌کنند» ترجمه می‌شود.

۶- الف) ای کاش دوستانم هنگامی که می‌میرم مرا به خوبی ..... .

یاد کنند مرا  یاد کنید مرا  یاد کنند مرا

«یَدُكْرُونَ» به ضمیر «ی» متصل شده و نیاز به نون وقایه دارد (فعل + ن + ی) پس «یَدُكْرُونِی» صحیح است.

**نکته:** قبل از «یَدُكْرُونَ»، حرف مشبّهة بالفعل «لِیت» آمده، پس فعل را به صورت «مضارع التزامی» ترجمه کنیم.

ب) خداوند قرآن را عربی قرار داد شاید مردم .....

بیندیشند  بیندیشید  بیندیشند

فعل بعد از «لَعَلَّ» باید به شکل مضارع التزامی (بیندیشند) ترجمه شود. با آمدن «الناس» نمی‌توان «تُعَلِّمُونَ» را برگزید؛ زیرا مخاطب است و از جهت معنا صحیح نخواهد شد. در

«تُعَلِّمُوا» هم دو اشتباه وجود دارد، زیرا «نون» فعل بعد از «لَعَلَّ» حذف نمی‌شود (مجزوم نمی‌شود) و از جهت معنا هم جمله صحیح نخواهد بود.

۷-  ۱) ای مردم! باطل را از اهل حق نگیرید.

«لا» در فعل «لا تَأْخُذُوا»، «لای نهی» است، زیرا فعل را مجزوم کرده (آخر فعل را تغییر داده) و معنای جمله هم فقط در صورتی صحیح خواهد بود که «لای نهی» باشد.

۲) مؤمن خشمگین نمی‌شود، زیرا خشم موجب فساد است.

«لا» در فعل «لا یَغْضَبُ»، «لای نفی» است، زیرا فعل را مجزوم نکرده (آخر فعل تغییر نکرده).  ۳) هیچ بدی زشت‌تر از دروغ نیست.

«لا» در این‌جا نفی جنس است، زیرا اولاً بر سر اسم نکره مفتوح (فتح‌دار) آمده، ثانیاً معنای «هیچ ... نیست» دارد.

۸- امام حسن علیه السلام فرمود: همانا بهترین نیکی خلق نیکو است.

إِنْ (اگر) و أَنْ (که) بر سر فعل می‌آیند و أَنْ (که) از حروف مشبّهة بالفعل است و در وسط جمله می‌آید. در این‌جا پاسخ «إِنَّ» است، زیرا در ابتدای جمله آمده و از حروف مشبّهة

بالفعل است و جمله بعد از خود را تأکید کرده است.

### نکته

حرف	نوع حرف	معنی	کاربرد
إِنْ	حرف شرط	اگر	بر سر دو فعل می‌آید و فعل اول را معادل مضارع التزامی می‌کند.
أَنْ	حرف ناصبه	که	بر سر فعل مضارع می‌آید و معادل مضارع التزامی فارسی است.
إِنَّ	حرف مشبّهة بالفعل	همانا	بر سر مبتدا و خبر می‌آید و برای تأکید استفاده می‌شود و معمولاً در اول جمله می‌آید.
أَنَّ	حرف مشبّهة بالفعل	که	بر سر مبتدا و خبر می‌آید و معمولاً در وسط جمله می‌آید.

۹- الف) ﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا يَٰأَهْلِيْنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾  
مبتدا مفعول

**ترجمه:** آیا تو با خدایان ما این کار را کردی، ای ابراهیم؟

«أ = آیا» حرف می‌باشد و نقش دستوری ندارد، پس به کلمه بعد از آن نگاه می‌کنیم. «أنت» ضمیر است و ضمائر زیرمجموعه اسم‌ها هستند؛ پس «أنت» مبتدا محسوب

می‌شود و «فَعَلْتَ» خبر خواهد بود، اما خبر خودش فعل است و می‌تواند فاعل یا مفعول داشته باشد. اگر به ترجمه توجه کنیم، «هذا» نقش مفعول دارد.

ب) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسَ قَرِيبَتَهُ.

حیوان درنده، شکارش را دنبال می‌کند.

جمله، فعلیه و «الحيوان» فاعل است؛ زیرا اولاً بعد از فعل آمده و انجام‌دهنده کار است. ثانیاً مرفوع (هُ، اِن، وَن، ...) است. ضمیر «ه» که به «قریسه» متصل شده مضاف‌الیه

است، زیرا یک قانون کلی وجود دارد: اسم + ضمیر مضاف‌الیه  
۱۰- الف) در قلّه کوه نور عبادت می‌کند.

ب) علاقه‌مندان به ماهی‌های زینتی شگفت‌زده هستند.

۱۱- الخيام: چادرها «مفرد: أَلْحَيْمَةُ»

۱۲-  گل  پرونده  خاک  سنگ



۱۳- الف) گاهی پس‌رکم مشتاق می‌شود که مسابقه فوتبال را از تلویزیون ببیند. (قد + مضارع = گاهی ...)

ب) سُست و غمگین نشوید، در حالی که شما برترین هستید.

ج) ای مادر جان؛ به تعمیر کار اتوبوس‌ها زنگ بزن، زیرا آن خراب است.

د) پروردگارا، با فضل با ما رفتار کن و با عدلت با ما رفتار نکن.

ه) بعد از پرتاب کردن قطره‌های آب به سوی حشره، حشره می‌افتد، سپس آن را می‌بلعد. (و هنگام پدید آمدن سختی‌ها رحمت (خداوند) با سرعت فرود می‌آید.

۱۴- صحنه - می‌گذرد

۱۵- گزینه «۲» در این گونه سوالات، ابتدا به ترجمه دقیق فعل‌ها توجه کنید. «تُحاول = تلاش می‌کند» و «تُساعدُ = کمک می‌کند» این دو فعل مضارع هستند و در گزینه (۱) به اشتباه به شکل ماضی استمراری ترجمه شده است.

۱۶- الف) چرا تکالیفتان را انجام نمی‌دهید؟

لا تَعْمَلُونَ (لا + فعل مضارع «بدون تغییر») معادل مضارع منفی است و صیغه دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب) است.

ب) از مواد قندی منع می‌شویم.

«مَنَعٌ = بازداشت، منع کرد» و صیغه متکلم مع‌الغیر مضارع آن «نَمُنَعُ = منع می‌کنیم» می‌باشد؛ اما توجه داشته باشید که فعل مضارع مجهول است و در ترجمه باید از مشتقات «شدن» استفاده کنیم.

ج) لطفاً نامه‌نگاری کنید.

تکاتبا: فعل امر است و مشترک بین دوم شخص جمع مذکر و مؤنث است؛ یعنی «صیغه‌های مثنای مذکر مخاطب» و «مثنای مؤنث مخاطب» - ثلاثی مزید باب «تفاعُل» به معنای نامه‌نگاری کنید.

نکته: «تکاتبا» مشترک در سه صیغه است. در این جا قبل از فعل، «رجاءً = لطفاً» آمده پس حتماً امر است؛ ولی صیغه آن می‌تواند مشترک بین «مثنای مذکر مخاطب» و «مثنای مؤنث مخاطب» باشد که در زبان فارسی هر دوی این‌ها به معنای «نامه‌نگاری کنید» می‌باشد، اما احتمال دیگری نیز وجود دارد که «تکاتبا» مثنای مذکر غایب باشد که معنای آن «نامه‌نگاری کردند» خواهد شد ولی در این جمله این معنا صحیح نخواهد بود.

د) هم‌کلاسی‌ام را به یاد آورده بودم.

«كُنْتُ قَدْ تَذَكَّرْتُ» (كان + [قد] + ماضی) ساختار ماضی بعید است، پس در ترجمه آن باید از مشتقات «بود» استفاده شود.

۱۷- الف) پدر بزرگم هر روز فریضه نماز را در مسجد به جای می‌آورد.

به جای آوردی  به جای می‌آورد

به جای می‌آورد (مؤنث) - به جای می‌آوری (مذکر)

«أَدَيْتُ» فعل ماضی مخاطب است و به معنای «به جا آوردی» است که معنای صحیحی در جمله نخواهد داشت.

«تُوِّدِي» دووجهی است، اگر سوم شخص مفرد «مفرد مؤنث غایب» باشد به معنای «به جا می‌آورد» است و از لحاظ معنی صحیح است ولی از نظر جنسیت با فاعلش که ضمیری مستتر (هو) است که به «جَدِّي = پدر بزرگم» بازمی‌گردد، مطابقت ندارد. اگر دوم شخص مفرد «مفرد مذکر مخاطب» باشد به معنای «به جا می‌آوری» است که چنین معنایی در جمله صحیح نیست؛ اما کان یُوِّدِي (كان + مضارع) ساختار ماضی استمراری دارد و به معنای «به جای می‌آورد» است که هم از لحاظ معنی و هم از جهت مطابقت با «فاعل» صحیح است.

ب) در سال‌های گذشته در کتاب‌های دینی خوانده بودم که اولین آیات قرآن کریم در غار جِراء نازل شد.  نخواهیم خواند  می‌خواندیم  خوانده بودم

«لَنْ تَقْرَأَ» (لن + مضارع) معادل مستقبل منفی و به معنای «نخواهیم خواند» است و با توجه به این که در جمله قید «سال‌های گذشته» آمده از لحاظ معنی صحیح نخواهد بود. «كُنَّا تَقْرَأُ» (كان + مضارع) ساختار ماضی استمراری دارد و به معنای «می‌خواندیم» است و با توجه قید «سال‌های گذشته» ترجمه دقیقی نیست.

اما «كُنْتُ قَدْ قَرَأْتُ» (كان + [قد] + ماضی) معادل ماضی بعید و به معنای «خوانده بودم» است که از لحاظ معنا کاملاً با جمله هماهنگ است.

۱۸- الف) سَأَلَ الْأَبُ وَوَلَدَهُ مُتَعَجِبًا: لِمَ تَبْكِي؟!

مفعول حال

نکته: پدر از فرزندش با تعجب پرسید: چرا گریه می‌کنی؟!

وَلَدٌ بعد از آن فعل «سَأَلَ» آمده و به دو دلیل مفعول است: اولاً از لحاظ معنا «وَلَدٌ» متمم فارسی است که معمولاً معادل مفعول عربی است. ثانیاً «وَلَدٌ» منصوب (بـ، ین، یُنْ، ... ) است. مُتَعَجِبًا: به دو دلیل حال است. اولاً بیانگر حالت و ویژگی «الأب» است. ثانیاً منصوب است.

ب) لا يَسْتَطِيعُ الصَّعُودَ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

جار و مجرور

نکته: به‌جز نیرومندان کسی نمی‌تواند به غار صعود کند.

إلى الغار: جار و مجرور است. «إلى» به معنای «به، به سوی» است و از حروف جار محسوب می‌شود که همواره بعدش اسم می‌آید.

ج) دانش‌آموزان (دختر) با تلاش درس‌هایشان را می‌خوانند.

خبر: تَقْرَأُنَّ

جمله با «الطَّلَبَات» شروع شده و چون اسم است، پس نقش دستوری آن مبتدا خواهد بود. پس از مبتدا، خبر می‌آید. در این جا «تَقْرَأُنَّ = می‌خوانند» خبر از نوع فعل است، زیرا توضیح و خبری است که پیرامون دانش‌آموزان می‌دهد.

۱۹- الف) ای نفس اطمینان‌یافته به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو از او راضی هستی و او هم از تو راضی است.

المُطْمَئِنَّة: اسم فاعل است (مُ... ) که از فعل ثلاثی مزید ساخته شده است.

راضية: اسم فاعل است از فعل ثلاثی مجرد که بر وزن «فَاعِل» می‌آید.

مَرْضِيَّة: اسم مفعول است از فعل ثلاثی مجرد که بر وزن «مفعول» می‌آید.

نکته: رَضِيَ ← اسم مفعول ← مَرْضِيَ ← تغییر می‌کند ← مَرْضِي ← مؤنث ← مَرْضِيَّة

ب) همانا آقای حسینی مردی بسیار صبور است و نزدیک مسجد زندگی می‌کند.

صَبَّار: اسم مبالغه است، اسم مبالغه معمولاً در وزن‌های «فَعَال» و «فَعَالَةٌ» می‌آید و در ترجمه آن از قید «بسیار»، «خیلی» استفاده می‌کنیم.

الْمَسْجِد: اسم مکان است، اسم مکان معمولاً در وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید. ج) کوه اورست بلندترین کوه در سراسر جهان است.

أَعْلَى: اسم تفضیل است، اسم تفضیل در دو وزن «أَفْعَل» (مذکر) و «فُعْلَى» (مؤنث) می‌آید. ۲۰- ۱) از واجبات دینی است و از اجزای آن، سعی (تلاش، دویدن) و پرتاب سنگ است. ← حج

۲) خودرویی است که در مزرعه‌ها آن را به کار می‌گیریم. ← تراکتور

۳) هرگاه نام خداوند در غذا برده شود، در غذا آن را می‌یابیم. ← برکت

۴) همانا آن‌ها با سخنی آرام شروع به سخن گفتن کردند. ← پیچ‌پیچ می‌کند

کلمات اضافی: الْقَرَابِين: قربانی‌ها، الْمُحْجِب: پاسخ‌دهنده

۲۱- الف)  کوه نور مرتفع است و در شهر مدینه‌النبی ﷺ واقع شده است.

نکته:  جَبَلُ النُّور = کوه نور» که غار حراء در آن واقع است در شهر مکه می‌باشد.

ب) تعدد خدایان از خرافات و عبادتشان از گناهان کبیره است.

ج) افتخار کردن به دودمان از بهترین نیکی است.

د) «مَلَتْ» همان اهل سرزمینی است که در یک مکان زندگی می‌کنند و «جَمَعَ»

آن «شُعَب» است.

شُعَب: مَلَتْ، جمع مکتسر: شُعُوب / شُعْبَةٌ: گروهی از چیزی، جمع مکتسر: شُعَب

### آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

۱- الف) برنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود.

ب) ابراهیم تبری را حمل کرد.

۲- الْأَنْشُودَةُ: سرود «جمع: الْأَنْشَادِید»

۳-  غم  دودمان  شادمانی  لبخندها



طَافَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ بِالْبَيْتِ طَوَافٍ الْأَعَاطِمِ

مفعول مطلق نوعی مضاف‌الیه

[هرگاه بعد از مصدر، منصوب، از جنس فعل (مفعول مطلق) مضاف‌الیه بیاید، به آن مفعول مطلق نوعی می‌گوییم.]

– أَلَاعِبُونَ الْإِيرَانِيِّونَ رَجَعُوا مِنَ الْمَسَابِقَةِ مُبْتَسِمِينَ.

حال

مُبْتَسِمِينَ: نکره، منصوب، بیانگر حالت است، در نتیجه حال است و با صاحب حال (اللاعِبون) از نظر جنس و تعداد هماهنگ است؛ بنابراین «مُبْتَسِمِينَ» حال یا قید حالت است.

۲۶- غار حرا - پرچم - شلوغی - شنید - بُت - طواف می‌کنند

(الف) الازدحام: شلوغی [اگر پلیس مقابل ورزشگاه نبود، شلوغی افزایش می‌یافت.]

(ب) غار حرا [قرآن در غار حرا بر پیامبر ﷺ نازل شد.]

(ج) الصُّمُّ: بُت [بت تندیزی از سنگ یا چوب یا آهن است که (با آن‌ها) غیر خدا عبادت می‌شود.]

(د) عِلْمٌ: پرچم [نفر اول در مسابقه پرچم ایران را بالا برد.]

۲۷- [نجمه] دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.

(الف) الطالبات: گزینه «۱» [سَمٌّ، جَمْعٌ، مُؤنثٌ سَالِمٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ / مبتدأ

اشتباهات گزینه «۲»: «الطالبات» علامت جمع مؤنث سالم (ات) را دارد، پس مفرد نیست - «الطالبات» اسمی است که در اول جمله آمده پس قطعاً مبتدا است و نمی‌تواند فاعل باشد.

(ب) تَجَحَّنَ: گزینه «۱» [فَعْلٌ ماضٍ، معلوم / خبر

اشتباه گزینه «۲»: «تَجَحَّنَ» فعل معلوم است، زیرا فعل مجهول وزن فَعِلٌ دارد.

### آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- (الف) عبادت‌ها و مراسم خرافی بود. (است)

(ب) او کسی است که گامش را دشت مکه می‌شناسد.

(ج) عقاد روزنامه‌نگار و شاعر مصری است.

(د) آرزو دارم که این مکان‌ها را زیارت کنم. (دیدن کنم)

۲- بزرگ می‌شود - تنگ می‌شود - آویخت - کمک کرد - کوچک می‌شود - یاری کرد

(الف) أَعَانَ = تَصَرَّ (یاری کرد)

(ب) تَكَبَّرَ (بزرگ می‌شود) ≠ تَصَغَّرَ (کوچک می‌شود)

۳- (الف)  لانه  پرده  هتل  جوجه

(ب) الفقير (مفرد) ← جمع تکسیر: الفقراء

۴- (الف) با یکتاپرستی به دین روی بیاور.

(ب) ای ابراهیم! آیا تو این (کار) را با خدایان ما انجام دادی؟

(ج) و این گفته‌ی تو که «این کیست؟» زبان‌رساننده به او نیست.

(د) گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

(ه) این فرزندی بهترین همه‌ی بندگان خداست. این پرهیزکارِ پاکِ پاکیزه بزرگ قوم است.

۵- (الف) ای کاش بار دیگر به حج بروم.

(ب) بدن قوی غذای مناسبی برای خود جذب می‌کند.

(ج) هنگامی که به حجرالاسود رسید به آسانی آن را مسح کرد.

(د) آیا غار ثور را که پیامبر ﷺ به آن پناه برد، دیدید؟

(ه) قطعاً قرآن را به او آموزش داد، سپس فرزند نزد خلفای بنی‌امیه در شام رفت.

(و) در زندگی‌اش با وجود شرایط سخت و دشواری چیزی به جز فعالیت نمی‌بینیم (فقط ..... می‌بینیم).

(ز) هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست، مگر این که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

۶- (الف) گزینه «۱» خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد. «ما استطاعت» فعل ماضی منفی است، پس ترجمه آن به صورت «نمی‌تواند» غلط است. (رد گزینه «۲»)

(ب) گزینه «۲» جواب داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.

[نکته] «لَمْ» را با «لَمْ» چرا» اشتباه نگیرید.

بنابراین «لَمْ» به معنی «چرا» و «تَسْأَلُونَنِي» مضارع است و ترجمه آن به صورت نهی (نپرسید) غلط است (رد گزینه «۱»).

۷- (الف) پیامبر ﷺ در قلعه غار حراء عبادت می‌کرد.

[نکته] کان + مضارع = ماضی استمراری (كان يَتَعَبَّدُ: عبادت می‌کرد)

(ب) کتاب‌ها تجربه‌های ملت‌ها در گذر هزاران سال هستند.

[نکته] کتاب ← جمع مكثر ← كُتُبٌ ← تجربه ← تجارب / أُمَّة ← أُمَّم / أَلْف ← آلاف

۳) لِيَتَذَكَّرَ دَرَسُهُ: باید درسش را به یاد آورد (بیاورد)

لِيَتَذَكَّرَ: لِ (امر) + مضارع = باید + مضارع التزامی | امر غایب (مضارع مجزوم) - مفرد مذکر غایب - باب تَفَعَّلَ]

۱۳- [نجمه] پدر و مادرم هنگامی که این صحنه را می‌بینند بار دیگر مشتاق زیارت مکه مکره می‌شوند.

(۱) اسم الفاعل: وَالِدٌ [اسم فاعل که بر وزن «فَاعِلٌ» است و از فعل ثلاثی مجزّد ساخته شده است.]

(۲) اسم المفعول: الْمَكْرَمَةُ [اسم مفعول از وزن «مُ...» که از فعل ثلاثی مزید ساخته شده است.]

(۳) اسم التفضيل: أُخْرَى [اسم تفضيل بر وزن «فُعْلَى» است که مذکر آن «أَفْعُلٌ» است.]

(۴) اسم المكان: الْمَشْهَدُ [اسم مكان بر وزن «مَفْعُلٌ» است.]

۱۴- تراکتور محل توقف ماشین‌ها و اتوبوس‌ها است. (خطأ)

۱۵- (الف) تجربه‌ها ما را از کتاب‌ها بی‌نیاز نمی‌کنند.

[لَا تُغْنِينَا = لَا تُغْنِي + نَا ← بی‌نیاز نمی‌کند ما را]

مضارع منفی مفعول

(ب) عقاد اندیشمند و شاعر مصری است.

۱۶- (الف) زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است. (زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست.)

(ب) عقاد جز به خودش اعتماد نکرد. (عقاد فقط به خودش اعتماد کرد.)

(ج) کتاب مفید، شناخت و معرفت تو را در زندگی افزایش می‌دهد.

(د) اگر فکر توانایی داشته باشی به وسیله آن می‌توانی آن‌چه را می‌خوانی، بفهمی.

۱۷- گزینه «۲» [عقاد از مهم‌ترین نویسندگان در مصر بود.]

[نکته] در گزینه «۱» مِنْ = از ترجمه نشده و «الکتاب» نویسندگان» به صورت مفرد ترجمه شده است.

۱۸- (۱) لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الدَّنْبِ: در گناه آن‌ها را کمک نخواهم کرد.

لَنْ أَسَاعِدَ: لَنْ + مضارع = مستقبل منفی [مستقبل منفی - صیغه متکلم وحده - باب مفاعلة]

(۲) هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا: آن‌ها کمک نکرده‌اند (کمک نکردند)

لَمْ يُسَاعِدُوا: لَمْ + مضارع = مضارع مجزوم [معادل ماضی منفی (نقلی - ساده) - صیغه جمع مذکر غایب - باب مفاعلة]

۳) رَجَاءٌ سَاعِدُنِي: لطفاً من را کمک کن.

سَاعِدْ: امر [أمر - صیغه مفرد مذکر مخاطب - باب مفاعلة]

۱۹- عاقلٌ: صفت / خبر

۲۰- کتاب‌ها تجربه‌های هزاران دانشمند در گذر سال‌ها است. (صحیح)

۲۱- فرزندق به سوی خلفای بنی‌امیه کوچ کرد.

۲۲- (الف) در روزی از روزها پدرش او را نزد علی ﷺ آورد.

(ب) عرب و غیرعرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند.

(ج) فرزندق در منطقه‌ای در کویت کنونی متولد شد و در بصره زندگی کرد.

(د) هنگامی که به حجرالاسود رسید مردم به کناری رفتند و آن را به آسانی مسح کرد.

۲۳- منبری برایش قرار داده شد و بر آن همانند پادشاهان نشست.

[نکته] نُصِبَ: فعل ماضی مجهول است و در ترجمه آن «شد» نیاز است.

جلوس: مفعول مطلق نوعی است و چون بعد از آن مضاف‌الیه آمده پس در ترجمه آن از «مانند، شبیه، همانند...» استفاده می‌کنیم.

۲۴- کوچک می‌شود - یاد می‌کند - می‌تواند - بزرگ می‌شود - می‌تواند - می‌خندد

(الف) يَقْدُرُ = يَسْتَطِيعُ (می‌تواند)

(ب) يَصَغُرُ (کوچک می‌شود) ≠ يَكْبُرُ (بزرگ می‌شود)

۲۵- [نجمه] دانش‌آموزان در سالن امتحان حاضر شدند به‌جز حامد - امام زین‌العابدین ﷺ خانه (خدا) را همچون بزرگان طواف کرد - بازیکنان ایرانی شادمان از مسابقه بازگشتند.

- حَضَرَ الطَّلَابُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً.

مستثنی منه مستثنی

[به اسم بعد از «إِلَّا» مستثنی می‌گوییم و به مجموعه‌ای قبل از «إِلَّا» که مستثنی از آن جدا شده مستثنی منه می‌گوییم.]

۸- الف (۱) در کارش تلاش نکرد (نکرده است).

**نکته:** لم + مضارع = ماضی منفی (ساده - نقلی)

(۲) او گاهی تلاش می‌کند.

**نکته:** قد + ماضی = ماضی نقلی - قد (گاهی) + مضارع

(۳) لطفاً شما تلاش کنید.

**نکته:** در فعل‌های ثلاثی مزید به حرکات - اجْتَهَدُوا: تلاش کردند (ماضی)

فعل‌ها خیلی دقت کنید - اجْتَهَدُوا: تلاش کنید (امر)

(ب) همانا خداوند بسیار پوشانندهٔ گناهان است.

**نکته:** دو وزن فَعَال - فَعَالَة برای اسم مبالغه است و در ترجمه آن‌ها معمولاً کلمه

«بسیار، خیلی» می‌آید.

(۲) علی صورتش را پوشانده بود.

**نکته:** کان + (قد) + ماضی = ماضی بعید

(۳) صورتش را پوشاند.

**نکته:** ما + ماضی = ماضی منفی - البته گاهی «ما» فعل مضارع را نیز منفی می‌کند.

(ما یُریدُ: نمی‌خواهد)

(ج) (۱) روی زمین می‌نشست.

**نکته:** کان + مضارع = ماضی استمراری

(۲) آن‌ها خواهند نشست.

**نکته:** س، سوف + مضارع = مستقبل

(۳) او آن‌جا نشست. (مؤنث)

۹- الف) **ترجمه‌متن:** پروردگار مرا بخشید و مرا از گرامیان قرار داد - دو دانش‌آموز

درس‌هایشان را بیشتر از دوستانشان می‌خوانند - مقابل ورزشگاه (باشگاه ورزشی)

از دحام جمعیت افزایش یافت - آشپز غذا را روی میز قرار داد.

(۱) اسم الفاعل: الطالبان

(۲) اسم المفعول: المُکْرَمین

(۳) اسم المبالغة: الطَّبَّاح

(۴) اسم المكان: المَلْعَب

(۵) اسم التفضیل: أكثر

**نکته:** یادآوری

۱- اسم الفاعل - فاعل (ثلاثی مجزء)

۲- اسم المفعول - مَفْعُول (ثلاثی مجزء)

۳- اسم المبالغة: فَعَال - فَعَالَة

۴- اسم التفضیل: أَفْعَل - فَعْلَى

۵- اسم المكان: مَفْعَل - مَفْعَلَة

(ب) (۱) دربارهٔ زندگی ناپلئون نظریات سی نویسنده را می‌خوانم.

**نکته:** در زبان فارسی معمولاً «نده، ار ...» علامت اسم فاعل (صفت فاعلی) است.

(۲) این کار لذت‌بخش‌تر از خواندن موضوعات متعدد است.

**نکته:** أَفْعَل + اسم = ترین / أَفْعَل + مِن = تر

۱۰- گزینه «۲» ما فَاذْ إِلَّا الصَّادِقُ: فقط صادق پیروز شد [پیروز نشد، به‌جز صادق]

در اسلوب حصر اولاً مستثنی منه حذف شده است. ثانیاً جمله قبل از إِلَّا منفی یا سؤالی

است. در گزینه (۱) «مسائل الرِّیاضیات» مستثنی منه است و جمله قبل از إِلَّا جمله

مثبت است، بنابراین گزینه (۱) اسلوب حصر نیست.

۱۱- یَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِنَّ نُفُلَ إِلَىٰ مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ.

حال ماضی مجهول

**ترجمه‌متن:** نیکوکار اگر چه به منازل مردگان منتقل شود، زنده است.

حیًّا: اسمی است نکره و منصوب (ء) که بیانگر حال «المُحْسِن» است و با «المُحْسِن»

(صاحب حال) در جنس و تعداد مطابقت و هماهنگی دارد.

﴿ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ﴾: قطعاً موسی با خداوند صحبت کرد.

مفعول مطلق تأکیدی

تکلیماً: مصدر فعل «كَلَّمَ» می‌باشد و منصوب است و پس از آن صفت یا مضاف‌الیه

نیامده، پس مفعول مطلق تأکیدی است.

﴿ كُلُّ شَيْءٍ يَرِخُّ إِذَا كُتِرَ إِلَّا الْأَدَبَ. ﴾

مستثنی

**ترجمه‌متن:** همه‌چیز هنگامی که زیاد شود ارزان می‌شود، به‌جز ادب.

الأدب: اسم بعد از إِلَّا همیشه مستثنی است.

۱۲- الف) الأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ أَهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

مفعول مضاف‌الیه

**ترجمه‌متن:** آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

«تُؤَكِّدُ» فعل و فاعل آن «هي» مستتر است و بعد از آن «الاهتمام» مفعول است، زیرا اولاً

در ترجمه مفعول است، ثانیاً منصوب (ت ے ین، ین ... ) است.

**نکته:** در زبان عربی متمم نداریم، معادل آن در زبان عربی مفعول است به شرط آن‌که

منصوب باشد، پس «الاهتمام» در فارسی متمم شمرده می‌شود، ولی در عربی مفعول است.

(ب) الْحَاجُّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ.

مبتدا

**ترجمه‌متن:** حاجی حجراالاسود (سنگ سیاه) در کعبه شریف را لمس کرد.

«الحاجُّ» اسم و اول جمله آمده، پس مبتدا است. «الشَّرِيفَةُ» صفت است، زیرا اولاً معنای

«گرامی» دارد، ثانیاً با اسم قبل از خود «الكعبة» در جنس، تعداد، حرکت و معرفه

مطابقت دارد، پس تمام ویژگی‌های صفت را دارد.

۱۳- انگور - شرایط - صدقه‌دادن - دبیرستان - پوشش - بیهوده

الف) سُدِّيٌّ: خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

ب) الثَّانَوِيَّةُ: دبیرستان همان مرحلهٔ درسی بعد از ابتدایی است.

ج) العَبْءُ: قیمت انگور در پایان تابستان ارزان می‌شود به دلیل فراوانی‌اش در بازار.

د) الإنْفَاقُ: همه‌چیز با صدقه‌دادن (انفاق کردن) کم می‌شود، به‌جز علم.

۱۴- فرزدق از شعرای عصر اموی و عاشق اهل بیت (ع) بود و عشقش را نزد خلفای

بنی‌امیه پنهان می‌کرد و آن را (عشقش را) هنگامی که هشام بن عبدالملک در روزگاران

پدرش حج به جا آورد، آشکار کرد.

ماهی تیلپیا از عجیب‌ترین ماهی‌ها است که از بچه‌هایش دفاع می‌کند، در حالی که

با آن‌ها حرکت می‌کند. آن در شمال آفریقا زندگی می‌کند و هنگام خطر بچه‌هایش را

می‌بلعد، سپس بعد از برطرف شدن خطر آن‌ها را بیرون می‌آورد.

الف) فرزدق چه زمانی عشق خودش به اهل بیت (ع) را آشکار کرد؟ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ

عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ.

ب) فرزدق چه کسی بود؟ كَانَ الْفَرَزْدَقُ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ.

ج) ماهی تیلپیا کجا زندگی می‌کند؟ إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شِمَالِ إِفْرِيقِيَا.

د) ماهی از چه چیزی دفاع می‌کند؟ تُدَافِعُ عَنِ صِغَارِهَا.

۱۵- الف) الْحَاجَّةُ: گزینه «۲» اسم، مفرد، مؤنث، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مضافٌ إِلَيْهِ

«الْحَاجَّةُ» مُعَرَّفٌ بِأَلٍ است در گزینه (۱) به اشتباه «مُعَرَّفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ» نوشته شده است.

نقش دستوری «الْحَاجَّةُ» مضاف‌الیه است، زیرا «طَلَبٌ: خواستن» اسم است و «طَلَبُ الْحَاجَّةِ»

تمام ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه را دارد.

**نکته:** مضاف + مضاف‌الیه

«الله نمی‌گیرد.»

مهرور (پسین ین ...)

توتون نمی‌گیرد.

«ن» مثنی و جمع نمی‌گیرد.

ب) أَشَدُّ: گزینه «۱» اسم تفضیل، مفرد، مذکر / خبر

«أَشَدُّ» بر وزن أفعال و اسم تفضیل است، در گزینه (۲) نوشته «مصدر» که غلط است.

نقش دستوری «أَشَدُّ» خبر است، در گزینه (۲) به اشتباه نوشته شد «صفت».

# درس نامه توپ برای شب امتحان

**نکته:** در متن هایی که برای دوران حاضر است می توان «إِنَّ» را ترجمه نکرد.

**مثال:** إِنَّ هَذَا السَّمَكَ يَعِيشُ فِي افْرِيقَا: این ماهی در آفریقا زندگی می کند.

**نکته:** «إِنَّ» گاهی به معنای «زیرا» می باشد.

**مثال:** لَا يَحْرُكُ قَوْلَهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ: سخن آنان نباید تو را غمگین کند، زیرا عزت برای خداوند است.

**۲) «أَنَّ»:** به معنای «که» می باشد.

«أَنَّ» بین دو جمله می آید و آن دو را به هم پیوند می دهد.

**مثال:** ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

بدانید که خداوند دارای مجازات شدید است. (شدید مجازات می کند). (المائدة/ ۹۸)

**نکته:**

کارکرد	معنا	نوع حرف
در ابتدای جمله و بر سر جمله اسمیه می آید و مبتدا را منصوب می کند.	همانا، قطعاً	حرف مشبّهة بالفعل
در وسط جمله می آید و دو عبارت را به هم پیوند می دهد.	که	حرف مشبّهة بالفعل
ابتدای جمله می آید و آن را شرطیه می کند و فعل شرط و جواب شرط را مجزوم (ـ، ـن) می کند و معنای فعل شرط را به مضارع التزامی تبدیل می کند.	اگر	ادات شرط
همراه فعل مضارع می آید و آن را منصوب (ـ، ـن) می کند و معنای آن را به مضارع التزامی تبدیل می کند.	که	حرف ناصبه

**۳) «كَأَنَّ»:** «كَأَنَّ» برای بیان «مشابهت» است. هر وقت **كَأَنَّ** را در جمله ای دیدید آن را «گوی» و «مانند» ترجمه کنید.

**كَأَنَّ** إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تَدْرُكُ: گویی خوشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی آید.

**۴) «لِئِنَّ»:** به معنای «ولی» و «اما» می باشد و برای تکمیل یا رفع ابهام جمله قبل می آید.

**مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾

خداوند هیچ به مردم ستم نمی کند ولی این مردم اند که به خویشتن ستم می کنند. (یونس/ ۴۴)

**نکته:** «لِئِنَّ» را با «لِئِنَّ» اشتباه نگیریم. «لِئِنَّ»: آخرش ساکن است و معنایش هم تقریباً با «لِئِنَّ» یکی است، ولی حرف مشبّهة بالفعل نیست بلکه حرف عطف است.

**۵) «لَيْتَ»:** به شکل «یا لَيْتَ» هم می آید و به معنای «کاش» و «ای کاش» است.

﴿يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ﴾: ای کاش ما خدا را اطاعت می کردیم (کرده بودیم). (الاحزاب/ ۶۶)

**نکته:** هرگاه «لَيْتَ» به ضمیر متصل «ی» وصل شود، بین این دو «نون وقایه» می آید و به شکل «لَيْتَنِي» می نویسیم (لَيْتَ + «ن» وقایه + ی = لَيْتَنِي).

**مثال:** ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَابًا﴾: ای کاش من خاک بودم. (النبا/ ۴۰)

**۶) «لَعَلَّ»:** به معنای «شاید» و «امید است» ترجمه می شود.

**مثال:** ﴿لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾: شاید قیامت نزدیک باشد. (الاحزاب/ ۶۳)

**نکته:** «لَعَلَّ» = شاید، امید است» را با «لَيْتَ = ای کاش» اشتباه نگیرید؛ خیلی از بچه ها این دو را جابه جا می گیرند.

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَالتَّوَدُّعُ

«الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ» و «الْإِثْمَانِيَّةُ لِلْجِنْسِ» و معنای آن ها

### الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

به مثال های زیر توجه کنید:

**الف) ﴿إِنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾:**

بی گمان وعده خدا حق است ولی بیشتر آن ها نمی دانند. (یونس/ ۵۵)

**ب) ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾:**

آیا ندانستی که حکومت آسمان ها و زمین، از آن خداست؟ (البقرة/ ۱۰۷)

به حروفی مانند **إِنَّ، أَنْ، لَكِنَّ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ** «حروف مشبّهة بالفعل» می گوئیم.

این حروف بر سر جمله اسمیه می آیند و اعراب مبتدا را تغییر می دهند؛ یعنی مبتدای جمله را اسم خود و منصوب (ـ، ـن، ـین، ـین...) می کنند.

بهتر است به چند مثال زیر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

**الف) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾:** همانا خداوند بدکاران را دوست ندارد. (القصاص/ ۷۷)

اسم **إِنَّ** و فیه **إِنَّ**  
منصوب

**ب) لَعَلَّ النَّصْرَ قَرِيبٌ:** امید است پیروزی نزدیک باشد.

اسم **لَعَلَّ** فیه **لَعَلَّ**  
و منصوب

در مثال های بالا «اللّه» و «النّصر» اسم «إِنَّ» و «لَعَلَّ» هستند و همان طور که می بینید همه این اسم ها منصوب (ـ، ـن، ـین، ـین...) اند.

اما یک نکته! اسم «حروف مشبّهة بالفعل» می تواند ضمیر متصل باشد، مانند:

﴿كَأَنَّ هُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾: گویی آن ها ساختمانی استوارند. (الصّف/ ۴)

اسم فیه **كَأَنَّ**  
کائن

### فَن تَرْجَمَهُ

آشنایی با معانی حروف مشبّهة بالفعل بسیار مهم است؛ پس به مثال ها و نکاتی که مطرح می کنیم توجه کنید.

**۱) «إِنَّ»:** به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان» است؛ به عبارت دیگر، جمله پس از خود را تأکید می کند.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ: قطعاً خداوند بخشنده است.

**نکته:** **إِنَّ** غالباً در اول جمله می آید.

**نکته:** هرگاه **إِنَّ** به ضمیر «نا» متصل شود آن را به صورت «إِنَّا» و «إِنْتَا» می نویسیم.

**مثال:** ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفْرَ﴾: به درستی که ما به تو خیر زیاد عطا کردیم. (الکوثر/ ۱)

**نکته:** هرگاه **إِنَّ** به ضمیر متصل «ی» وصل شود، می توان بین این دو «نون وقایه» آورد و به شکل «إِنْتِي» بنویسیم (إِنَّ + «ن» وقایه + ی = إِنْتِي).

**مثال:** ﴿إِنْتِي أَنَا اللَّهُ﴾: به درستی که من همان خدای هستم. (طه/ ۱۴)

**نکته:** اگر حرف «ما» به **إِنَّ** متصل شود (إِنَّمَا)، معنی «تنها» و «فقط» می دهد و دیگر از حروف مشبّهة بالفعل نیست.

**مثال:** ﴿إِنَّمَا الْفَعْرُ لِعِطْلٍ ثَابِتٍ﴾: افتخار تنها به خردی استوار است.